

فهم قرآن با روش تفسیر متوالی آیات بر اساس واژگان هر آیه کافی نیست

فهم قرآن با روش تفسیر متوالی آیات بر اساس واژگان هر آیه کافی نیست، بلکه تفسیر آیات بر اساس فهم شبکه مفاهیم کلیدی قرآن لف و نشر واژه‌های اصلی در کل قرآن و فراگفتمان های قرآنی ممکن می‌شود.



فهم قرآن با روش تفسیر متوالی آیات بر اساس واژگان هر آیه کافی نیست، بلکه تفسیر آیات بر اساس فهم شبکه مفاهیم کلیدی قرآن لف و نشر واژه‌های اصلی در کل قرآن و فراگفتمان های قرآنی ممکن می‌شود.

به گزارش خبرنگار مهر، سیدسلیمان صفوی، مدیر مجله علمی ترانسندنت فیلسوفی لندن و مؤلف ده‌ها جلد کتاب در حوزه فلسفه، عرفان و هنر به زبان‌های انگلیسی و فارسی است. فقه‌الله‌اکبر (هرمنیوتیک معنوی خدا در قرآن و شعر فارسی)، مقایسه آرا ارسطو و صدرالمتألهین پیرامون خدا (واجب الوجود) و تفسیر ساختاری سوره حمد از جمله آثار اوست. سروراستناری دانشنامه معاصر قرآن کریم و تألیف مجموعه قرآن‌شناسی از جمله آثار قرآنی این قرآن‌شناس معاصر است.

رئیس آکادمی مطالعات ایرانی لندن یادداشتی نگاشته است که متن آن را در ادامه می‌خوانید:

قرآن حکیم؛ کلام‌الله است که به آخرین رسول الهی حضرت محمد مصطفی (صلوات‌الله‌علیه) وحی شده است. قرآن کریم در ساختن فرهنگ و تمدن جهانی به طور عام و تمدن اسلامی به طور خاص؛ نقش اساسی داشته است. قرآن حکیم مهم‌ترین منبع اسلام‌شناسی است. کتاب مقدس قرآن کریم مشتمل است بر مسائل اصلی مربوط به مبدأ و معاد، هستی‌شناسی، شناخت‌شناسی، جهان‌شناسی، انسان‌شناسی، معرفت‌عقلی و قلبی، احوالات و مأموریت‌های انبیای الهی، تیپ‌شناسی انسان بر اساس ایمان و عمل (متقین، مؤمنین، مخلصین، مجاهدین و صالحین در برابر فاسقین، کفار، مشرکین، منافقین و قاعدین)، فقه‌الجوارح، فقه‌النفوس، فقه‌اخلاق، فقه‌الله‌اکبر، تیپ‌شناسی جوامع و نظام اقتصادی، سیاسی، اخلاقی، ایمانی و اجتماعی اسلام.

بر اساس قرآن کریم؛ فرهنگ و تمدن اسلامی طی پانزده قرن ساخته شده و همواره در ابعاد مختلف زندگی بشریت در حوزه ایمانی، اجتماعی، سیاسی، اقتصادی، هنری اخلاقی، معنوی، عقلی، علمی، روابط بین‌الملل و معادلات جهانی قدرت تأثیری شگرف داشته است.

امروزه فرهنگ و تمدن قرآنی یکی از موضوعات اصلی روابط بین‌الملل، دیپلماسی و ساختار جهانی قدرت است. قرآن حکیم در این دوران؛ بیش از هر زمان دیگری زنده و پویاست و در آینده جهان و روابط بین‌الملل نقش تعیین‌کننده دارد.

قرآن دارای مفاهیم کلیدی است که به صورت شبکه‌ای به هم مربوط است. فهم قرآن مبتنی بر فهم واژه‌های کلیدی قرآن است، لذا سلسله مباحث شبکه مفاهیم کلیدی قرآن کریم برای فهم سریع و آسان قرآن با تکیه بر منابع تفسیری معتبر با نگاه کل‌نگر (سینوپتیک) و تکنیک «دور هرمنیوتیکی» تحلیل شده تا چراغ راهنمای زندگی جوانان خداجو باشد. «دور هرمنیوتیکی» یعنی ارجاع جز به کل و کل به جز.

جهان‌بینی قرآنی از ارتباط درونی و انسجام کلمات کلیدی قرآنی و ارتباط میدان‌های معنی‌شناسی کلمات استخراج می‌شود. واژگان قرآنی، حاصل جمع کلمات یا مجموعه‌ای اتفاقی و تصادفی شماری از کلمات بدون نظم نیست، بلکه بدین معناست که پیوسته مجموعه کلماتی که از جهات گوناگون لایه‌ها و ساحت‌های مختلفی تشکیل داده‌اند و در جاهای متعدد در تعامل با یکدیگرند؛ با تشکیل شبکه‌ای از ارتباطات گوناگون، سیستم زنده و پویای دین اسلام را نشان می‌دهند.

فهم قرآن با روش تفسیر متوالی آیات بر اساس واژگان هر آیه کافی نیست، بلکه تفسیر آیات بر اساس فهم شبکه مفاهیم کلیدی قرآن با توجه به سیاق آیات و تناسب و تعامل متوالی و متناوب آیات، اجمال و تفصیل، لف و نشر واژه‌های اصلی در کل قرآن و فراگفتمان های قرآنی ممکن می‌شود. «متادیسکورس» [۱] یا فراگفتمان یک اصطلاح در «تحلیل گفتمان» است و یک رویکرد نسبتاً جدید در تحلیل متن است که بیان ارتباط منطقی معنایی بین «مقوله‌های اصلی» متن (قرآن) است و به صراحت به کارکرد گفتمان و مراحل مختلف آن در متن اشاره می‌نماید و به اطلاعات مربوط به موضوع در قسمت‌های دیگر متن اشاره می‌کند.

به کارگیری «صنایع ادبی بدایع قرآنی» با رویکرد شبکه ای و سیستماتیک مانند: حُسن ابتدا [۲]؛ حُسن ختام [۳]؛ حُسن تخلص [۴]؛ استعاره [۵]؛ تمثیل [۶]؛ لف و نشر [۷]، وhellip؛ (بن: التمهید فی علوم القرآن) برای فهم واژه های کلیدی قرآن، ساحت جدیدی را در قرآن شناسی فراهم می نماید و کاربرد صنایع ادبی قرآنی را بیشتر مثمر ثمر می سازد.

«صراط مستقیم» یکی از فراگفتمان های قرآن است که فهم وجوه و ابعاد آن نقش مهمی در فهم معارف قرآنی دارد.

طلیعه:

اصطلاح قرآنی «صراط مستقیم» ترکیب دو واژه عربی «صراط» و «مستقیم» است. واژه صراط" در لغت به معنای بزرگراه وسیع و روشن است [۸]. برخی ریشه و اصل واژه و "صراط" را "سراط" می دانند که به معنای بلعیدن است و چون جاده باز و عمومی با فراخی و وضوحی که دارد، گویا سالک را در کام خود می کشد و او را به پیش می برد، به آن "صراط" گفته می شود. [۹]

واژه "مستقیم" از ماده "ق.و.م" است و بر طلب قیام دلالت می کند. استقامت، طلب قیام از شیء است و طلب قیام، کنایه از ظهور و حصول آثار و منافع هر چیز است و چون آثار و منافع راه در مستوی بودن، نداشتن اعوجاج و گمراه نکردن سالک است، چنین حالتی را قیام آن می دانند؛ پس راه مستقیم راهی است که نداشتن اعوجاج از آن مطلوب باشد. [۱۰]

صراط مستقیم در قرآن یک اصطلاح و مفهوم کلیدی با معانی اصطلاحی خاص است مانند: اسلام، انبیا، کتاب خدا، دین حق، نعمت، انسانیت، صراط آخرت..

واژه صراط مستقیم حدود چهل بار در قرآن به کار رفته است. این اصطلاح ترکیبی ویژه در «مُصحف» برای نخستین بار در سوره حمد، آیه ۶ ذکر شده است.

بارویکرد تاریخی برای صراط مستقیم در چهار سطح و دوره وجوه مختلف معنایی بیان شده است. دوره اول دوره نزول است که خدا بوسیله وحی به مرور وجوه مختلف مفهومی و مصداقی صراط مستقیم را بیان فرموده است. دوره دوم، مرحله تفسیر صراط مستقیم بوسیله احادیث معصومین علیهم السلام است. دوره سوم دوره تفاسیر اجتهادی اعم از عرفانی مانند حقایق التفسیر سلمی و فلسفی مانند تفسیر صدرالمتهلین است. دوره چهارم مرحله تجلی ادبی صراط مستقیم در شعر شاعران مسلمان بخصوص شعر فارسی است مانند عطار و مولوی.

صراط مستقیم از جهت معنی شناسی هم بسته با خدا، انسان، زندگی، وفای اجتماعی، عهدالهی، پرستش خدا، معرفت قلبی، قسط، عمل صالح، حق، صبر، مقام رضا، مقام جمع الجمع، معاد وhellip؛ است.

ساختار تو در توی صراط مستقیم:

صراط مستقیم شاهراه حقیقت است که یک سوی آن مبدای متعالی خدا و سوی دیگر آن انسان است. صراط مستقیم راه صعود و بازگشت انسان به اصل متعالی خود و به اصطلاح قوس صعود است. انسان برای وصول و اتصال به مبدای متعالی مقدس باید از دهلیز و دواپر مختلف ذکر، فکر، عمل و پرکسیس گذر کند و سیر و سلوک نماید تا به صراط مستقیم واصل شود. صراط مستقیم از جنس شدن و تحول جوهری وجود آدمی از مقام تبتل به مقام فنا فی الله و بقای بالله است. در پروسه صیرورت انسان در سلوک بسوی صراط مستقیم ردائل زشت نفسانی انسان نابود می شود و صفات و ملکات الهی در وی تجلی می یابد و مقیم می گردد و او چشم و گوش الهی می شود، قلب او از ماسوی الله خالی می شود و فقط حق در قلبش حضور پیدا می نماید و قلبش در این مرحله «قلب سلیم» می گردد. و نور خدا بر همه وجودش متجلی می شود و وجودی نوری می شود در ظلمت ناسوت که تلالو نورش روشنایی بخش جمع است و وجودی عرشی می شود در فرش.

به اختصار صراط مستقیم اقرار الهی است:

۱. سفر من الخلق الی الحق یا به اختصار سفر الی الحق.

۲. سفر من الحق الی الحق فی الحق یا به اختصار سفر فی الحق.

۳. سفر من الحق الی الخلق بالحق یا به اختصار سفر الی الخلق.

۴. سفر من الخلق الی الخلق فی الخلق بالحق یا به اختصار سفر فی الخلق.

در مقابل سفر ظاهری، سفر باطنی است و سفر به معنای حرکت از مبدأ و ابتدا به سوی انتها و مقصد اعلی است و این سفرهای روحانی را بزرگان معرفت و عرفان به چهار سفر تقسیم کرده اند. که دارای ظرایف و دقایق بسیار است و عمق عرفان و سیر و سلوک الی الله در این میثت قرار دارد.

«بدان که برای سالکین از عرفاء و اولیا الله، سفرهای چهار گانه است:

سفر اول از خلق به سوی حق و سفر دوم با حق در حق و سفر سوم مقابل سفر است از حق به سوی خلق با حق و سفر چهارم از جهتی مقابل سفر دوم است برای اینکه با حق در میان خلق است [۱۱]

« سفر اول برفع حجاب های ظلمانی و نورانی پرداخته می شود و عبور از عالم ناسوت و ملکوت و جبروت و سفر دوم عبور از عالم لاهوت است اما سفر سوم و سفر از حق بسوی خلق، عالی تر از سفر دوم است یعنی سکر (هستی) و محو (فنا فی الله) از بین می رود و با وجود فنا در حق و فنا در صفات حق و فنا از فنا، سالک در مقام افعال سلوک می کند و با صحو تام (بقا بالله) باقی به بقا حق می گردد و تمام عوالم جبروت و ملکوت ناسوت را به اعیان ها و لوازم ها مشاهده می کند و از معارف ذات و صفات و افعال خبر می دهد. [۱۲]

در همین راستا ملأ محسن فیض کاشانی تلمیذ برجسته ملاصدرا و مفسر عظیم الشان قرآن (مؤلف تفسیر صافی) و محدث عال مقام صاحب وافی که یکی از کتب اصلی سبعه روایی شیعه است، صراط مستقیم تحولات جبلی انسان از صورتی به صورت دیگر تا اتصال به عالم عقلی و ملأ اعلی خوانده است که آن سرانجام سالک را اعتدال در اخلاق، التزام به اعمال صالح و توحید و معرفت واصل می نماید. [۱۳]

علاقه مندان برای مطالعه مباحثی در این ارتباط می توانند به مجموعه کتاب قرآن پژوهی نگارنده خصوصاً مجموعه قرآن شناسی دوره اول (۶ عنوان)، انتشارات سلمان آزاده مراجعه کنند.

پی نوشتها:

Metadiscourse: Any discourse which is concerned with or alludes to other discourses. Also: a general or [1] universal discourse which sets the parameters within which other discourses are employed. At: <https://en.oxforddictionaries.com/definition/metadiscourse>

[2]. حُسن ابتدا: آغاز کلام با الفاظ زیبا و معانی محکم و متقن.

[۳]. «حسن ختام» که به آن «براعت ختام» نیز می گویند، در قرآن به بهترین صورت وجود دارد که متضمن معانی بدیع و نو است و به شنونده می فهماند که به انتهای سخن رسیده است و دیگر منتظر ادامه کلام نماند؛ مانند ختم سوره بقره به دعا و ایمان به خدا و تصدیق رسالت، و ختم سوره آل عمران به نظر به مخلوقات و امر به صبر و مصابره و مرابطه.

[4]. حسن تخلص : انتقال از یک مطلب به مطلب دیگر، بدون التفات مخاطب به انتقال. از مهم ترین و ظریف ترین اسلوب های بدیعی قرآن «حسن تخلص» است که به آن «تخلص» و «براعت تخلص» نیز می گویند و در جایی است که سخنور از کلام آغاز سخن به کلام دیگری منتقل شود که مقصود اصلی او است؛ به گونه ای که شنونده، متوجه این انتقال نشود، ولی معنای اصلی در ذهن او جای گیرد. این عدم توجه شنونده به انتقال، به دلیل مناسبت و شدت ارتباط میان دو کلام است. زرکشی در «البرهان» می گوید: از بهترین مثال های حسن تخلص آیه: «اللَّهُ نُورُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ مَثَلُ نُورِهِ كَمِشْكَاةٍ فِيهَا مِصْبَاحٌ فِي رُجَاةٍ الرَّجَاةِ كَأَنَّهَا كَوْكَبٌ دُرِّيٌّ يُوقَدُ مِنْ شَجَرَةٍ مَبَارَكَةٍ زَيْتُونَةٍ لَا شَرْقِيَّةٍ وَلَا غَرْبِيَّةٍ يَكَادُ زَيْتُهَا يُضِيءُ وَلَوْ لَمْ تَمْسَسْهُ نَارٌ تُوِّرْ عَلَى نُورٍ يَهْدِي اللَّهُ لِنُورِهِ مَنْ يَشَاءُ» (نور / / ۳۵) است. در این آیه، پنج تخلص به کار رفته است: اول «نور» و صفت آن بیان شده و سپس به بیان «زجاجه» و صفت آن تخلص یافته است. پس از ذکر

«نور» و «زیت»، به «شجره» تخلص یافته است. پس از «شجره» صفت «زیت» را آورده است. سپس از صفت «زیت» به صفت «نور» و تضاعف آن تخلص یافته است. سرانجام به هدایت الهی تخلص یافته است.

[۵]. «استعاره» در لغت به معنای عاریه خواستن، و در اصطلاح اهل بیان، استعمال لفظ در معنای غیر وضعی (معنای مجازی) به قصد تشبیه و به سبب علاقه شباهت بین معنای اصلی (معنای حقیقی) و معنای مجازی است. استعاره یکی از اقسام مجاز و استوار بر تشبیه است. نمونه هایی از استعارات در قرآن: «هُوَ الَّذِي أَنْزَلَ عَلَيْكَ الْكِتَابَ مِنْهُ آيَاتٌ مُحْكَمَاتٌ هُنَّ أُمُّ الْكِتَابِ» «اوست کسی که این کتاب (قرآن) را بر تو فرو فرستاد پاره ای از آن آیات محکم (صریح و روشن) است آنها اساس کتابند» (آل عمران / ۷). تعبیر «ام الكتاب» در این آیه، استعاره است؛ زیرا «ام» یعنی اصل و ریشه، و آیات محکومات نیز به «ام» تشبیه شده اند؛ زیرا آن ها اصل و مرجع قرآنند، و آیات متشابه بر اساس آن ها تفسیر می شود. «كِتَابٌ أَنْزَلْنَاهُ إِلَيْكَ لِتُخْرِجَ النَّاسَ مِنَ الظُّلُمَاتِ إِلَى النُّورِ»؛ «کتابی است که آن را به سوی تو فرود آوردیم تا مردم را به اذن پروردگارشان از تاریکی ها به سوی روشنایی بیرون آوری» (ابراهیم / ۱). در این آیه از «ظلمات»، گمراهی و از «نور»، هدایت قصد شده است. «فِي قُلُوبِهِمْ مَرَضٌ فَزَادَهُمُ اللَّهُ مَرَضًا»، «در دل هایشان مرضی است و خدا بر مرضشان افزود» (بقره / ۱۰). در این آیه از «نفاق» به «مرض» تعبیر شده است.

[۶]. کلام الله مجید در مطرح کردن مسائل تربیتی و معارف، گاهی از تمثیل و تشبیه استفاده می کند و با تشبیه مسائل غیرحسی به امور حسی، به مطلب عینیت و تجسم می بخشد تا فهم آن برای مخاطب آسان گردد. در قرآن حدود پنجاه مثل وجود دارد که همه آنها تشبیه معقول به محسوس است و در چندین آیه از قرآن کریم هدف از آوردن مثل ها بیان شده است: «و يضرب الله الامثال للناس لعلهم يتذكرون» (ابراهیم / ۲۵) و خداوند مثل ها را برای مردم می زند شاید آنها یادآور شوند.

[۷]. لَفَّ و نشر: ربط دادن مطالبی به چند مطلب پیش گفته به طور مرتب یا غیرمرتب (مشووش). لَفَّ و نشر بر دو گونه است. الف و نشر مرتب: آن است که نشر به ترتیب لَفَّ باشد؛ مانند: «وَمِنْ رَحْمَتِهِ جَعَلَ لَكُمُ اللَّيْلَ وَالنَّهَارَ لِتَسْكُنُوا فِيهِ وَلِتَبْتَغُوا مِنْ فَضْلِهِ»، «و از رحمت او (این است که) برای شما شب و روز آفریده است تا در آن بیارامید و از فضل او روزی بجوید» (قصص / ۷۳). در این آیه، ابتدا شب و سپس روز را بیان فرمود؛ سپس آرامش در شب و طلب روزی در روز را آورده است. لف و نشر غیر مرتب: آن است که نشر بر عکس لَفَّ باشد؛ مانند: «وَجَعَلْنَا اللَّيْلَ وَالنَّهَارَ آيَاتٍ فَمَحَوْنَا آيَةَ اللَّيْلِ وَجَعَلْنَا آيَةَ النَّهَارِ مُبْصِرَةً لِيَتَّبِعُوا فُضْلًا مِّنْ رَبِّكُمْ وَلِيَتَعْلَمُوا عَدَدَ السِّنِينَ وَالْحِسَابَ»، «و شب و روز را دو نشانه قرار دادیم. سپس پدیده شب را محو و پدیده روز را روشن گردانیدیم تا از فضل پروردگارتان (روزی) بجوید و شمار سال ها و حساب را بدانید». (اسرا / ۱۲). در این آیه، شب و روز را یاد کرده و سپس بر خلاف ترتیب، طلب روزی که در روز است اول، و شمارش سال ها و حساب که مربوط به شب است بعد آمده است.

[۸]. راغب اصفهانی، المفردات فی غریب القرآن، ص ۲۳۰، ماده (س ر ط)

[۹]. زمخشری، کشف، ذیل آیه اهدنا صراط المستقیم.

[۱۰]. راغب اصفهانی، مفردات الفاظ قرآن، واژه صراط، ج ۱، ص ۴۱۸. جوادی آملی، عبدالله، تفسیر تسنیم، ج ۱، ص ۴۵۷ ۴۵۸، قم، مرکز نشر اسرا، چاپ ۳، ۱۳۸۱.

[۱۱] ملاصدرا، اسفار اربعه، ج ۱، ص ۱۲. بیروت، دار احیا للتراث العربی.

[۱۲] ملاصدرا، اسفار اربعه، ج ۱، ص ۱۲. حاشیه آقا قمشه ای، به نقل از سیر و سلوک بحرالعلوم.

[۱۳] ملأ محسن فیض کاشانی، الکلمات مکنونه، تهران، مدرسه عالی شهید مطهری، ۱۳۸۷، ص ۱۹۱. صراط مستقیم، هو صراط التوحید و المعرفه و التوسط بین الاضداد فی الاخلاق و التزام صوالح الاعمال.